فصل



انواع فعالیت‌های فرهنگی

❖ اهداف آموزشی

- ❖ بررسی وسعت قلمروی فرهنگ
- ❖ طبقه‌بندی فعالیت‌های فرهنگی
- ❖ اهمیت سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی
- ❖ بررسی مسائل اساسی فعالیت‌های فرهنگی در ایران

▣ مقدمه

فعالیت‌های فرهنگی در دسته‌بندی‌های متعددی ارائه شده است. به طوری که می‌توان گفت هر سازمان فرهنگی چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی از فعالیت‌های فرهنگی دسته‌بندی خاصی را ارائه کرده است که در این فصل به اختصار به چند دسته‌بندی رایج در این حوزه بسنده خواهیم کرد و در بخش پایانی این فصل به مسائل اساسی در حوزه فعالیت‌های فرهنگی خواهیم پرداخت.

❐ وسعت قلمروی فرهنگ

وسعت قلمروی فرهنگ به وسعت حیات اجتماعی انسان بوده و شامل تمامی ذخایر و میراث‌های اندیشه (عقل نظری) و ساخته‌های فکری و دستی (عقل عملی) انسان از آغاز تا امروز است. فرهنگ در کلیه شؤون زندگی افراد حکم فرماست و در پرتو آن، زندگی انسان از زندگی حیوانی متمایز می‌گردد. فرهنگ، محیط معینی است که انسان در چارچوب آن حرکت می‌کند، الهام خود را می‌پرورد و مقدار صلاحیت خود را برای تأثیرگذاری از طریق تبادل، سازگاری می‌دهد. فرهنگ جوی آبی است از رنگ‌ها، نغمه‌ها، عادت‌ها، شکل‌ها، آهنگ‌ها و حرکت‌هایی که جهت‌گیری و شیوهٔ خاصی را بر زندگی انسان نقش می‌زند، تصور او را نیرو می‌بخشد، نبوغ او را الهام می‌دهد و توانایی‌های خلاق او را می‌پرورد. فرهنگ پیوند ارگانیک انسان و چارچوبی است که او را در برگرفته است. فرهنگ شامل الگوهای آشکار و پنهان رفتاری است که به وسیلهٔ نمادها، اعمال و توفیقات نهادینه شده گروه‌های مختلف انسانی و آنچه شامل دست ساخته‌های انسان می‌شود، به دست آمده و انتقال می‌یابد. فرهنگ درونمایه هر گروه، سازمان، گردهمایی و جامعه‌ای است.

فرهنگ، عصارهٔ زندگی اجتماعی است و در آن تمامی افکار، اهداف، معیارها، ارزش‌ها، فعالیت‌های انسان و ضوابط فردی و اجتماعی منعکس می‌شود. به کمک فرهنگ است که انسان از جهات مختلف با انسان‌های پیرامونش همرنگی و هماهنگی می‌یابد و از مردم جوامع دیگر متمایز و مشخص می‌شود. بشر به اتکای این فرهنگ، جهان را تسخیر می‌کند و به جای آن که در مقابل تحریکات محیط طبیعی دستخوش تغییر شود، جهان را موافق حال خود تغییر می‌دهد. (بابایی طلاتپه، ۱۳۸۴: ۲۹ و ۳۰)

❐ فعالیت‌های فرهنگی از منظر نوع فعالیت

هر چند فرهنگ قلمروی بسیار گسترده‌ای از تمام جنبه‌های فعالیت انسانی را در بر می‌گیرد، اما با اندکی تسامح می‌توان فعالیت‌های فرهنگی که شامل جنبه‌های مختلفی از زندگی مردم می‌شوند را به سه گروه عمده به شرح زیر تقسیم کرد:

۱- **هنرهای زیبا:** نظیر هنرهای تجسمی (ترسیمی مانند: نقاشی، خطاطی، طراحی، گرافیک) و (دستی مانند: مجسمه‌سازی، نقاشی دیواری نقش برجسته، شیشه‌گری و...) هنرهای نمایشی، شعر، موسیقی، معماری و...؛

۲- **پرورش فعالان فرهنگی:** نظیر هنرآفرینان، هنرمندان، نویسندگان، شاعران، بازیگران، مربیان و سازمان‌دهندگان امور فرهنگی و مدارس عالی هنری؛

۳- **فعالیت‌های محیط زندگی:** نظیر مهندسی، طراحی و مبلمان شهری، صنعت فرهنگی، کالاهای فرهنگی و....

❐ فعالیت‌های فرهنگی از منظر عمق تأثیرگذاری

۱- **فعالیت‌های فرهنگی عمودی:** نظیر معماری، فیلم، سینما، نشریه، موسیقی، صنایع دستی، موارد دیداری و شنیداری مانند: صفحه، نوار، ویدئو، تلویزیون، عکاسی، اسناد مکتوب در موزه‌ها، آرشیوها و کتابخانه‌ها[1]، ادبیات شفاهی، فولکلور، آوازها، لالایی‌ها، قصه‌ها، حفظ میراث فرهنگی شامل: تمام اشیا و یادمان‌ها، آثار و بناهای تاریخی و طبیعی و ...؛

۲- **فعالیت‌های فرهنگی افقی:** نظیر فعالیت‌های اجتماعی، انجمن‌ها و تشکل‌های فرهنگی

۱- البته فقط اسناد مکتوب موجود در موزه‌ها، آرشیو و کتابخانه‌ها جزو فعالیت‌های فرهنگی عمودی محسوب می‌شوند.

در مدارس و دانشگاه‌ها، مساجد و مراکز دینی، روابط عمومی سازمان‌ها، مراکز تبلیغاتی، ورزشی و ...؛

۳- **فعالیت‌هایی که بر امور فرهنگی نقش نظارتی دارند و مستلزم آشنایی لازم با مجموعه قوانین فرهنگی و فنون هنری و ادبی است**: نظیر هیأت داوران آثار برگزیدهٔ هنری، ادبی و...، جشنواره‌ها، ممیزی کتاب، فیلم، آثار موزه‌ای و اسناد مکتوب، کپی رایت و... .

❐ فعالیت‌های فرهنگی از منظر حوزه فعالیت

فعالیت‌های فرهنگی به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که مجموعهٔ آنها بخش فرهنگ را شکل می‌دهد. این فعالیت‌ها بر اساس تعاریف غیرمادی مفهوم فرهنگ ارائه شده است و بر حسب طبقه‌بندی‌هایی که ملاک تعیین حوزه‌های مختلف فرهنگی است، محدود شده است. که به فعالیت‌های فرهنگی در حوزه‌های مختلف زیر در سطح کشوری و بین‌المللی دسته‌بندی می‌شود:

۱- چاپ و نشر کتاب؛
۲- کتابخانه‌های عمومی و مراکز و مجتمع‌های فرهنگی و هنری، مراکز اسناد و مدارک و دایره‌المعارف‌ها؛
۳- سینما، ویدئو و عکاسی؛
۴- تئاتر و هنرهای نمایشی؛
۵- موسیقی؛
۶- هنرهای تجسمی؛
۷- هنرهای سنتی و صنایع دستی؛
۸- تبلیغات دینی؛
۹- ورزش؛
۱۰- رادیو و تلویزیون؛
۱۱- میراث فرهنگی؛
۱۲- گردشگری.

▣ اهمیت سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی

فعالیت‌های فرهنگی باید متضمن رشد و انتشار فرهنگ ملی و خرده فرهنگ‌های محلی و توسعهٔ همکاری‌های بین‌المللی باشد، به نحوی که بتواند آگاهی به دستاوردهای فرهنگی مردم دیگر را ارتقا دهد و تفاهم و دوستی متقابل را تقویت کند و تضمین مشارکت آزاد بیشترین تعداد مردم در خلاقیت و توسعهٔ فرهنگی را هدف خود قرار دهد. لذا این مهم حاصل نمی‌شود، مگر این که بتوان به نحو شایسته‌ای فعالیت‌های فرهنگی را سازماندهی کرد. که با این مقدمه در بخش بعدی نکاتی در مورد سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی از طریق برنامه‌ریزی فرهنگی ارائه خواهد شد.

❐ مسائل اساسی حوزه فعالیت‌های فرهنگی در ایران

با توجه به موارد بالا می‌توان مسائل اساسی در برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی را در دو دسته اصلی بررسی کرد:

۱- مشکلات و مسائلی که با ماهیت خود فرهنگ در ارتباط هستند؛

۲- مشکلات و مسائلی که ناشی از نظام برنامه‌ریزی، اجرا، تحقیقات و امکانات بخش فرهنگی است.

- رئوس مشکلات دسته اول (ماهیت خود فرهنگ) عبارتند از:

۱- عدم توافق صاحب‌نظران فرهنگی در مورد تعریف و مفهوم فرهنگ؛

۲- عدم شناخت کامل از نقش مهم فرهنگ و تأثیرات گسترده فعالیت‌های فرهنگی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور؛

۳- عدم شناخت کامل از نقش مهم فرهنگ و تأثیرات گسترده فعالیت‌های فرهنگی در تربیت و پرورش نسل جدید به صورتی که آنها بتوانند شناخت درست و مناسبی از فرهنگ و کشور خود داشته باشند و با مقوله تهاجم فرهنگی به صورت مفهومی و ریشه‌ای برخورد کنند. (زیرا تا نسل جدید فرهنگ خود را نشناسند نمی‌تواند فرهنگ خود را با دیگر فرهنگ‌ها تجزیه و تحلیل کند و انتخاب گزینشی داشته باشد)؛

۴- عدم توافق دست اندر کاران امور فرهنگی در تعیین قلمروی واحد و معین برای برنامه‌ریزی فرهنگی و مشخص نبودن حدود و ثغور آن به طور قاطع؛

۵- آمیختن فرهنگ، با مقوله‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و محدودیت

اختیارات بخش فرهنگ؛

۶- فقدان یک مدل مشخص در برگیرنده همه متغیرهای فرهنگ و کم سابقه بودن بحث‌های فرهنگی در جهان و از جمله در ایران، از دیدگاه‌های جدید؛

۷- پیچیدگی برنامه‌ریزی و ارزیابی فرهنگ، به دلیل کیفی بودن و قابل اندازه‌گیری نبودن آن، مشخص نبودن میزان همبستگی بین هدف‌های کیفی و کارهای بخش فرهنگی، مشخص نبودن اولویت‌ها، ضعف سیستم ارزیابی و کنترل کیفی فعالیت‌های فرهنگی در جامعه و سلیقه‌ای بودن ارزیابی‌ها. (احمدی، ۱۳۷۰: ۱۲)

رئوس مشکلات دسته دوم (برنامه‌ریزی، اجرا، تحقیقات و امکانات بخش فرهنگی) عبارتند از:

۱- ضعف نظام برنامه‌ریزی، به دلیل کم سابقه بودن برنامه‌ریزی فرهنگی و ناشناخته بودن اهمیت فرهنگ؛

۲- فقدان تشکیلات ویژه برنامه‌ریزی و کادر لازم واجد شرایط در اکثر دستگاه‌های فرهنگی؛

۳- عدم استفاده درست از وجود نیروهای موجود در دستگاه‌ها که حضورشان به نفع برنامه‌ریزی بخش فرهنگ است؛

۴- فقدان آرای فقهی راهگشا برای حل برخی از مسائل و معضلات فرهنگی و هنری و ضعف و کمبود قوانین و مقررات لازم برای توسعه فرهنگی؛

۵- تهیه ناقص برنامه‌های میان‌مدت، که موجب تقلیل سودمندی آن در هدایت بودجه‌های سالانه می‌شود؛

۶- عدم توجه لازم به برنامه‌های میان‌مدت در تدوین بودجه‌های سالانه و ناکامل بودن آنها؛

۷- عدم توجه لازم به تأمین و آموزش کادر مورد نیاز بخش فرهنگی با توجه به تنوع مقوله‌ها در بخش فرهنگ؛

۸- کمبود امکانات مالی بخش فرهنگی و پایین بودن سهم بخش فرهنگ از بودجه کل کشور؛

۹- کمبود و نقص آمار و اطلاعات به موقع در بخش فرهنگی؛

۱۰-فقدان تحقیقات لازم و مفید برای برنامه‌ریزی فرهنگی؛

۱۱-عدم هماهنگی لازم میان دستگاه‌های تحقیقات فرهنگی؛

۱۲-عدم هماهنگی لازم میان دستگاه‌های سیاستگذار و اجرایی در حوزه فرهنگی. (همان، ۱۳)

فصل



فعالیت‌های فرهنگی اقوام مختلف

❖ اهداف آموزشی

- ❖ بررسی تحولات فعالیت‌های فرهنگی ایران و جهان در طول تاریخ
- ❖ آشنایی با فعالیت‌های فرهنگی اقوام ایرانی در گذشته
- ❖ تحول تاریخی فرهنگ ایرانی
- ❖ بررسی ویژگی‌های فرهنگ ایرانی

▣ مقدمه

در این فصل فعالیت‌های فرهنگی ایران و جهان در طول تاریخ مقایسه خواهد شد و فعالیت‌های فرهنگی اقوام ایرانی در گذشته مورد بررسی قرار خواهد گرفت که با مطالعه این فعالیت‌ها می‌توانیم تغییراتی را که در فعالیت‌های فرهنگی معاصر به وجود آمده به طور کامل درک کنیم. این تغییرات می‌تواند در نحوه انجام یک فعالیت فرهنگی خاص باشد و یا به طور کلی یک فعالیت فرهنگی حذف شده و فعالیت فرهنگی دیگری جایگزین آن شده باشد. به عنوان مثال مشاعره یکی از فعالیت‌های فرهنگی ایرانی‌ها در گذشته بوده است که به طور معمول در شب‌نشینی‌های ایرانیان گذشته رونق داشته است اما امروزه نحوه انجام این فعالیت فرهنگی تغییر کرده است؛ یعنی امروزه مشاعره‌ها دیگر جایی در شب‌نشینی‌های مردم ایران ندارد مگر آنهایی که در رشته ادبیات تحصیل می‌کنند و برای بقیه ادب دوستان نیز مشاعره‌های تلویزیونی ساخته می‌شود تا بتوان از این طریق اوقات فراغت ایرانیان را پر کرد و یا به جای لالایی‌هایی که مادران برای کودکان خود می‌گفتند؛ برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی برای به خواب رفتن بچه‌ها ساخته می‌شود و یا حتی ورزش زورخانه‌ای که از فعالیت‌های فرهنگی ایرانیان قدیم بود جای خود را با فوتبال و سایر ورزش‌ها عوض کرده است. هر چه به جلو می‌رویم باز هم از این نوع تغییرات را در فعالیت‌های فرهنگی خواهیم دید. در این فصل ضمن ارائه فعالیت‌های فرهنگی اقوام گذشته ایران به تحول تاریخی فرهنگ ایرانی و ویژگی‌های فرهنگ ایرانی نیز خواهیم پرداخت.

❐ سیر تحولات فعالیت‌های فرهنگی ایران و جهان در طول تاریخ

این بخش‌بندی به طور ساده از دانشنامه آمریکایی ـ که بر پایه نظریهٔ دانشمندان غربی است ـ گرفته شده است. در همین دایره‌المعارف به شرح این دوره‌ها می‌پردازد که سنجش

و بررسی انتقادی هر بخش آن بسیاری از پرده‌ها را کنار می‌زند و خواننده تیزبین را در کارش هشیارتر می‌سازد. در این دایره‌المعارف عمر فعالیت‌های فرهنگی بشر را به شش دوره، تقسیم کرده است که به بررسی انتقادی هر دوره خواهیم پرداخت:

۱- دوره نخست؛ می‌توان آن را از یک میلیون سال تا هزاره سوم پیش از میلاد دانست:

این دوره بسیار شگفت‌آور است، زیرا از یک سو دو دوره یخبندان و زمین لرزه‌ها و دگرگونی‌های عظیم طبیعی که در روزگاران کهن رخ داد چنان تمدن‌های دیرین بشری را محو کرد که دستی جز دست خیال به دامن آنها نمی‌رسد. تنها می‌توان به این نکته بسنده کرد که ناچار زندگی بشر دیر سال بوده است، اما چگونه و چرا؟ معلوم نیست. آنچه را که با قوت قلب بیشتری می‌توان اشاره کرد این است که از پایان آخرین یخبندان، (که در آثار شرقی تعبیری از آن به صورت توفان نوح شده که بی‌شک با یخبندان‌های بسیار قدیم که زمین‌شناسان به آن اشاره کرده‌اند فرق دارد و به زمان ما نزدیک‌تر است) که شاید به بیش از دوازده هزار سال پیش کشیده می‌شود، زندگی، فرهنگ و تمدن بشری، قابل بررسی است و بحث‌هایی که از دوران‌های پارینه سنگی، نوسنگی تا عصر آهن شده چندان روشنگر سیر زندگی بشر نیستند. از سوی دیگر سه هزار سال پیش از میلاد را به تنگ یک میلیون سال پیش زدن، کاری نادرست است چراکه آثار شصت یا هفتاد قرن پیش از میلاد را شناخته و تشخیص داده‌اند که اگر در نحوه شناسایی و استناد آنها شک باشد، در زمانشان خیلی شک نیست و اختلاف یک یا دو هزار سال ـ با توجه به کهنگی تمدن بشر و اندک بودن مدارک و ماخذ ـ بخشش پذیر است؛ چنانکه استادان و دیرینه‌شناسان با آسودگی خیال می‌گویند فلان اثر مربوط به هزاره هشتم یا هفتم پیش از میلاد است، یعنی پیش و پس بودن یک هزار سال را برای روزگاران دیرین، قابل چشم پوشی می‌دانند (اما کم و افزون بودن حتی چند سال را برای زمان‌های شناخته شده نمی‌توان نادیده گرفت) و اگر تا هزاره سوم را در بخش یک میلیون سال بپذیریم هم به تمام کوشش‌های باستان شناسان و دیرینه‌شناسان خط بطلان کشیده‌ایم و هم با موازین تاریخی نمی‌خواند و سازگار نمی‌شود.

سوم آنکه با توجه به تمام کشفیات موجود، پدیده‌های فرهنگی و تمدنی مربوط به شصت یا هفتاد سده پیش از میلاد، از فلات ایران به دست آمده‌اند که در این تقسیم‌بندی به هیچ عنوان به آن اشاره نشده است.

۲- دوره دوم؛ هزاره سوم تا نیمه هزاره اول پیش از میلاد را در بر می‌گیرد و در این دوره، تمدن در مصر و هند و چین پیدا شده و تمدن مصر از کمی پیش از ۲۰۰۰ سال تا حدود ۱۰۰۰ پیش

از میلاد نمایشگر پیشرفت انسان بوده است: این دوره را شامل تمدن‌های بین‌النهرین، مصر، شمال هند و چین می‌دانند و بین‌النهرین را به کلی از فلات ایران جدا فرض می‌کنند و حال آنکه تمام آثار کشف شده و کتاب‌های بازمانده از زمان‌های دیرین تا هزار سال پیش و اساطیر موجود، نخستین جایگاه‌های تمدن‌های بشری را در فلات ایران (و آن هم در مرکز و شرق این فلات) نشان می‌دهند. یکی از این مرکزها «تپه یحیی» در نزدیکی کرمان است که درست در وسط فاصله میان رودخانه‌های سند (در مشرق) و فرات (در مغرب) جای دارد و با توجه به کتاب «بابل دل ایرانشهر» در اینکه بین‌النهرین (میان رودان) بخشی از فلات ایران بوده است شکی به جای نمی‌ماند. پس، همین جدا کردن بین‌النهرین از فلات ایران و گذاشتن ایران را در دوره بعد (دوره سوم) اگر تعمدی نبوده است، از اشتباهات آشکار است.

گذشته از آثار و نوشته‌های بازمانده قدیمی، تمام آثار جدید باستان شناسی حاکی از این است که نخستین آثارسکونت بشری در مرکز فلات ایران (که به احتمال قوی روزگاری دریای بزرگی بوده و اکنون کویر جانشین آن دریا شده) دیده شده است. بررسی‌هایی که در «سیلک (کاشان)»، «تپه یحیی»، «خبیص یا شهداد» (و به طور کلی اطراف کویر)، «تپه حصار»، «چغازنبیل» و... و همچنین بررسی‌های مشرق ایران به‌ویژه دره سند «ناحیه موهنجودارو» و کشف گنجینه آثار مکتوب در «تورفان»... همه، خاستگاه تمدن را در فلات ایران نشان می‌دهند و حال آنکه تمدن مصر از زمانی اوج می‌گیرد که «اکسس»ها از فلات ایران به دره نیل گام می‌گذارند تا «شهر ملکوت» را در آن دیار پی افکنند.

۳- دوره سوم؛ یا عصر کلاسیک از پانصد سال پیش از میلاد تا ۵۰۰ سال پس از میلاد به درازا کشیده است و این دوره، ظهور و تجلی دین، سیاست، تفکر، هنر و... بوده است:این دوره برای ایران، دنباله دوره پیش است و برای سرزمین روم نیز درست همین طور است اما برای یونان، درخور بحث بسیار است که به هر حال این دوره را هم می‌توان به نحوی توجیه کرد و پذیرفت.

۴- دوره چهارم؛ حدود هزار سال یعنی از قرن پنجم تا قرن پانزدهم میلادی طول کشیده که قرون وسطی و دوره رکود و سستی بوده است:این دوره تنگی افق دید خاورشناسان را به‌خوبی آشکار می‌کند. چه، عنوان این دوره، نشان می‌دهد که خاورشناسان در بررسی‌های تاریخی، فقط به اروپا محدود شده‌اند و تصورشان مانند کسانی بوده است که گفتند: «نیست آنسوتر ز عبادان دهی» در این اظهار نظر گویی جهان را در اروپا خلاصه کرده‌اند. زیرا آنها این دوره هزار ساله را به اصطلاح «قرون وسطی»، دوره رکود، خمودگی، ظلمت و